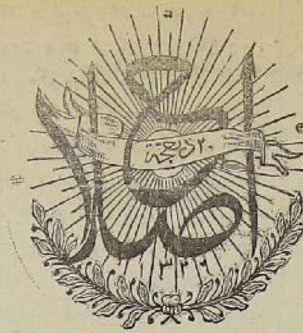
شمارهٔ اول | سال چهارم | جمعه ۲۹ قوس ۱۳۰۲ ـ ۱۲ جمادي الاول ۱۳۴۲ ـ ۲۱ دسامبر ۱۹۲۳ | هفته اول | صفحه ۱

مدیر و نگارنده
میرزا محمد رضا بوشهری

جای اداره — طهران خیابان نگارستان

اوقات طبع

اگر وجه اشتراک مرتب برسد هر هفته طبع میشود
لوایح بی امضاء معروف درج نمی شود



قیمت اشتراک

داخله سالیانه ۶۰ قران ششماهه ۴۰ قران
در ولایات اضافه اجرت پست
خارجه « ۷۰ قران ششماهه ۴۵ قران

قیمت اعلانات سطری ۵۰۰ دینار

کلید زندگانی

دقائق یا یک سلسله حقائق

حیات فردی و اجتماعی

دراین زمینه روي سخن ما بامبرزین نیست بلکه چون این جریده توجه مخصوصش باصلاح حال وهدایت احوال توده ملت ان جماعتی که مقدراتشان بدست مبرزین مصنوعي است مجبوریم بالسان ساده و امثله سهل وقریب بذهن آنان در شرح تفهیمات داخل شده وتکلیف قطعی آنان را آشکار نمائیم لذا مي گوئیم :—

شما که این ورق پاره‌ها را در نظر گذرانیده یا بنظر شامیگذرانند بی سواد یا با سواد هر چه باشید قادر هستید احساس کنید که حیات فردی شما مدتی است متزلزل گشته و هرروزه وقتي سراز خواب برمیدارید حس میکنیدهیچگونه اسباب آسایش یا تامین روحی در مزاج شما مؤثر نیست بلکه باکمال تزلزل وحیرت و اندیشه‌هاي گوناگون درصددجلب آسایش وتامیني بر آمده بالاخره کاهی خود را لا علاج دیده حاضر میشوید تا آنجا که مانعي ازبراي حصول آن مقصود در جلو شما نیست قدم بر داشته یعني حتی برای سرقت یا قتل نفس هم کوتاهي نخواهید کرد—

بلي اگر شما نتوانسته اید این احساسات خود را تشخیص داده و بیان نمائید حق داشته ومابدلیل اینکه کوچکترین آثار طبیعت تولید قوه تاثرات روحی دیده میتوانیم آن تاثیرات را بلسان حقیقي آن تاثر خاطر نشان شمانمائیم

اگر شما مي بینید یکروز از کار های عادی خود که تا دیروز در کمال شوق بان معتقد بوده بکلی خسته یا دلسرد و روز دیگر بکارهاي غیر عادي که بکلي تا دیروز بان مایل نبودمتمایل میمائید یا یکمرتبه دوست چندین ساله امین یا محترم خود را از نظر دورنموده وبیك مجهول الهویه تکیه میمائید یایکوقت یك‌هیاهوی داخلي را موجد حیات خود شمرده وزماني اغتشاش خارجي‌را اسباب‌نجات و فلاح‌خود میدانید روی همرفته این تاثیرات همان معاني را در بر داردکه ابتدا بشما نسبت دادیم و روي همرفته خلاصة الامر این حالت ثابت میکند که هیچ گونه‌اسباب آسایش وتامیني براي حیات فردي و شخصي شما در مملکت موجود نیست و البته وقتي بنا شودنتوانید مقدرات خودرا اقلا برای ده روز پیش بیني کنید چگونه می توانید تامینات روحی داشته باشید

اگر بعضي از شما داراي حیات تامینیه دو روزه موفق بوده یعنی از اندوخته های خود قدري در راحت هستیداز جهات دیگر که غالب تامینات عمومي است یابوا سطه‌رقابت وحسادت یاغرض رانی اشخاص نافذتر از خود در راحت نخواهید بود و معتقدلست این حیات موقتي هم بیك دسیسه دشمن در ظرف چند ساعت پایمال گردد و همینطور هرچه قدم در طبقات عالیتر گذارید با هرگونه تامینات مالي چون آن طبقات مقید بسائر مقامات دیگر هستند بازبقسمي از اقسام معذب بعذاب الیمي خواهند بود که بالاخره تمام ناشي از عدم تامینات روحی عمومی است زیراکه اصلا جان و مال و ناموس عمومي در تحت ترتیبات و تاثیرات روح ثابت دائم الحسي نیست

اما متعجبانه با اینکه عموم افراد مبتلا باین بلای عظیم بوده و همگی نیز اظهارعدم رضایت مینمایند وتقریبا میتوانند بفهمند که تقریبا رو بزوال و نیستي میروند مع التاسف بجای دست اتحاد بیکدیگر دادن بالعکس بجان یکدیگر افتاده دوروئی دورنکي کلاشي از یکدیگر را تشفي قلب خود قرار مي دهند

ان عده مردماني که بادعای طبابت سر بلند کرده و تشخیص مرض را بعضي بوجود حکومت مطلقه و برخي از عدم مطلوب کامل ملت که به فرانساوی بقول جراید سیاسي ایدال و بقول جریده ناهید فکاهی عیدال میناسند و براي‌حصول بان مقصد طرق متعدده پیشنهاد کرده بودند اگر چه در ضمن ان بیانات به بعضي حقائق دست زده و خالی از اثراتی نبوده اما چون بالاخره تکیه کاهي نداشت و نمیتوانست توجه عمومی را بیك طریق سهل و ساده متوجه سازد میتوان گفت غرض انان ازبیان علاج نبوده بلکه غرضشان اظهار حیات در عالم ادبیات بوده و اگرظن ما بغلط نباشد میکوئیم در صورتیکه ان اطباي حاذق ان قائدین نامي از تشخیص مرض و دواء ان عاجزمانده شما عوام بازاري و توده ملت چگونه یا ان بي سوادی قادر بدرك ان خواهید بود که :—

چرا مرجع امیدي برای شما نیست ؟

چرا ادارات دولتي شما تاکنون بی‌روح بود ؟

چرا هر عوام بمجرد اراده وکیل میشود ؟

چرا هر نالایق مصدر کار دولتی میگردید ؟ بقیه درصفحه ۳

توضیحات

« ۱ » قدرت و اراده حکومت هندوستان اعني دولت بریطانیا باعث شد که سلب آسایش و کسب و تجارت از ما گردیده فامیل ما متفرق و امروز در طهران قهرا در میدان مبارزه حیات ملي داخل گشته و چون تاکنون سبب آن اراده‌بدست نیاورده خود را برای‌استدراك بمرکز رسانیده که بالاخره باشتباه خود یا اشتباه دولت مذکور در حق خودواقف گردیم —

در ظرف این‌مدت قلیل توقف‌خود درمرکز تقریبا بر ما معلوم گردیده که سبب استفاده و تجری دولت مذکور دراین گونه اعمال از وضعیات ناگوار ظاهري و باطني‌مملکت خصوصا ازرخاوت و سستی و ضعف اولیاء امور بوده و اساسا ما در یك اشتباه بزرگي داخل شده بودیم که تاسی بانان ننموده و وسایل اطمینان و اعتماد دولت‌مذکور در حق خودبطوري که لازم بوده فراهم نیاوردیم ولي نظریه این که از تعقیب آن رویه بنقصان جاني مصادف نگشته و در نقصان مالی هیچ اهمیتی نمی دهیم و هیچ مستلزم نمي دانیم که‌برای جلب آسایش تقنني طوق عبودیت رابه گردن نهاده و تاریخ خود را ننگین نمائیم و خوش بختانه موافق انتظاري که از اثرات طبیعت در تغییرات عالم می رفته امروز خود را بقول آشنایان به محیط مصادف بان تغییرات دیده در حالی که دربحبوحه هرج و مرج و حکومت هاي متزلزل وارد شدیم بناگهان دست قوي طبیعت تهیه حکومت مقتدر ثابتي برای ما نمود که با یك روح تازه امیدواریم هم بتوانیم مظالم دولت انگلیس را درحق خود ثابت و خسارت وارده دریافت نمائیم و هم یك حصه از روح متزلزل ملت‌را در حیات شرافت و سعادت دلالت نمائیم و با صدق این تصمیم مشخص است که در اظهار هر گونه حقیقت تاپاي دار نیز فرو گذاري نخواهیم کرد چه قطع نظر از وجوب اصلاح حیات نوعی مجبوربه اصلاح‌حیات‌شخصي خودبوده وچون در حکم اجتماعات استحکام پایه حیات شخصي موقوف به انتظام پایهٔ نوعي است این است که مجبوریم خالصا در اصلاحات روح جامعه بذل جهد نمائیم.

« ۲ » چون علت تمام بدبختي های جدید و انحطاطي که از ۱۷ سال باینطرف بر خلاف انتظار روي آورده از سوء اخلاق و فساد تنها اشخاصي می بینم که معرکه بهو چی و محرکین گردیده و ترویج و توسعه آن دا سبب نبودن یك اداره عالیه تمیز ا در مملکت و لا قیدي زمامداران ک تولید گردید و علاج و اصلاح ا رویه مشؤمه موقوف به تنبیه اخلا جامعه است که بجز قلم منصف نخ بود ما حاضر شده ایم مادامي ک چنان اداره عالیه که حافظ عو اخلاق از روي اصول صحیحه در م جاری نگردیده و ان هادی نما باعتبار الفاظ و عبارات ف امیز در موقع ازادی محیط و بد در موقع اختناق دائره شهوت راني را توسعه می دهند ما با اصول درالطف اخلاقي و قانون مملکتي جا از هر گونه تزریقاتي که فساد و اسباب انحطاط عمومي است باشیم

« ۳ » چون زبان فارسي ادبیات ما عربی و توده ملت بغیر دو زبان بهیچ لسانی اشنا نیستند و تاثیرات زبان خارجي اخلاقا به عموم متخصصین این فن کمتر اثرش فنای ملیت است لذا کلمات پرلکر پرنسیب — پرسنل — پروپاکاند کاندید — رژیم — سیستم و امثا از کفریات دانسته و تا جائي ماقادرهستیم بجای آن کلمات بیك‌کل اصول — اجزاء — تبلیغ — تعیین تغییر — طرز — مقاصد خودمان نمائیم لذا حاضر شده ایم تا از فارسی خارج نشده متکي باثان باشیم —

گویا اشخاصي که بان کلمات داده و داخل در زبان خود می نم نظر به‌همان الت واسباب‌عوام فریبي که قرنها در مملکت ما شاهد فعل معرکه شده بود و اسباب استفاده قوم از طبیعت ساده ملت گردید اینان که قدم در تجدد گذارده لوازم تجدد شاهد عظمت فهم و مقا را این کلمات شناخته و اسباب بیو خود در انظار عوام یا ارباب مکتب قلب انها ضعیف تر از عوام که دانسته اند واگر چه به نتیجه م خودنیز می رسیده و خوب فهمید لیکن چون ما منتظرمان نتیجه انا بر خلاف انها مجبورا عمل مینمائیم

و آن مراتب حالیه شویم ناگزیر یکرحمت هستیم و آن زحمت کف حرص و طمع و جلو کیری از ولی که حاصل لموده‌اند

ان تدولی که همکی تاریخ وضع آنرا میدانیم و لازم بشرح نیست و فقط راجع بیك طبقه متنفذه اشراف یا بعبارت ساده متمولین ود و چون در این زمینه شرحی لات باقایان موصوف خواهد ...ه قدیم مادامیکه یك فشار ثابتی لبقه ممتازه و این طائفه محتکره وخته ها ذخیره های چندین قرن بداد و این دوره های فترت از آنان خارج نخواهد شد و مقدار فشار ثابت منحصر به قوای دولتی وات هم قبل از ابراز استعداد و ملت اقدام بچنین عملی نمینماید که تقاضای ملت را از دولت در ازواجبات و اول راه حل امور

کر متنورین وعقلای مملکت واین به امتحان صالحیت داده بودندالبته خطاب باتها نموده و این امانت آنان میاویم لیکن البته خود نیز اولد کجا منقلب شده یا راه انقلاب مفتوح و مایه فساد گردیده‌اینست بیوویم روی خود را بان توده ملت وده‌و عرض کنیم

ی فلک زدکان تاریخ اسارت ای میدان حقارت ای صنعت پیشه یات اجتماعی شما ـ آن کلید زندکانی آسایش و نعمت و شرافت حقیقی صندوق های طبقه متنفذین مملکت حبوس گردیده و تقریبا هفده سال ید آن بدست امناء و قائدین بابه جدید هوچی هائی که ول معرفی و بعبارت ساده همان وکلائی که خاب میکنید وهمان روزنامه‌نکارانی بایه رؤساء هرچی ها اداره میشوند ز نکادائه نیز شامل آن طبقه نیز است و برای تسلیم امور های شده ام این آقایان محترم کلید شما را از انان ربوده و آنراآلت تخویف سرمایه معیشت خود قرار معادل از صاحبان افکار باج گرفته را درمیدان فراموشی بی معین وتنها ... و برای تثبیت حسن عمل خود اهو گذارده یاچون دزدان که بازار را دیده از ربودن هرگونه اسلحه غ نکرده وصاحبان احتکار نیز برای ودن آن کلید از دادن هرگونه ائه نکرده، و اگر کار بدین منوال با عاقبت کیسه هوچی ها پر شده بحکم استغنا در عداد محتکرین داخل خواهند شد یا آنکه دربین راس همچنانیکه گاهی زمزمه حکومت یکوشتان میرسانیدند قوای صاحبان قدرائی نموده و کلید را چاپیده دارالبوار خواهند فرستاد آنوقت ی است و همان کاسه همان فراش

های معروف قدیم که البته بخاطر دارید شما را با شلاق درحضور کلانتر حاضر کرده و بدون تحقیق صد تازیانه یا بیشتر بشاله شما زده خواهد شد یا ممکنه ازان اجنبی پیش دستی کرده در بین سرگرمی محتکرین با رقبائشان کلید و صندوقهارا یکسره غارت نموده و تا ابدالاباد گرفتار افسوس باشید

این آقایان سارقین کلید زندکانی این قدرت رادرخود نمی‌بینند یا اکردیده اغراض شخصی آن قدرت را از ایشان سلب نموده که یك شجاعت و شهامت صندوق را تصرف کرده در جلو ملت در معرض‌عام اندازند یااز دولت وقت این اقدام راپخواهند و بواسطه ضعف نفس بحفظ همان کلید و اخذ رشوه های جزئی قناعت نموده وباین فکر فرو نمیروند یامیل بچنین فداکاری ندارند که اگر روحی در حیات اجتماعی تولید نمایند آن روح بزرکترین اسباب مباهات وافتخاری و اولین قشون فاتح آنها در جلو هر سیل داخلی وخارجی خواهد بود

پس بر شماست که این امانت این ودیعه الهی این اندوخته شده های طبیعت جور و ظلم بقوه طبیعت عدل و انصاف بدست اورده و در طریق حیات اجتماعی صرف نمائید و بـرای این مقصود باید تا جان کوشید ــ باید اوقات صرف نمود نفس را باید حرام دانست روح ثابت در کار استـ اخت ـ و حدت کـلمه بخرج داد ـ طـریق عقـلائی پیشه گرفت حفظ قانون را اول منظور داشت ـ اجتماعات وزین نمود ـــ اشخاص صالح چون آیت الله خالصی زاده برای مدیریت انتخاب نمود یا اگر مجلس مقدس مفتوح گردیده از مجلس درخواست نمود که اجرای مقصد را از دولت طلب نماید

این تقاضا لیاقت شما را ثابت می دارد ــ گفتار ما را ثابت می کند دولت را حاضر بعمل می نماید

کلید زندکانی شما بدست دولت قرار می گیرد سپس تحویلات اساسی بر دولت صورت امکان دارد

اشتباه اعیان ما

ما در عین حـالی که با عقیده سائر جرائد متفقیم و اعتقاد داشته که جماعتی از زمان استبداد وازمنه فترت خون ملت را مکیده ودارای اعتبارات و هستی های هنکفت شده و هنوز هم دارند دست از جان ملت برنداشته و باقوه همان وجوه حیات اجتماعی را در تزلزل و خطر انداخته از نقطه نظر دیکر تقصیر آنان را از پیشوایان خود خواه و متنورین مصنوعی و جرائد بی اصول کمترمیدانیم و طریق اصلاح این مسائل را به فحاشی و تهمت ندانسته بلکه چون از نقطه حرکات وقبح هوچی ها و فحاشی بعضی ارباب جرائد و اختلاف نظر میرزین و غفلت ملت و کوته نظری اعیان حرکات و رفتـار این محتکرین را مطابق شان و اثرات قـوا و طبیعی انان میدانیم چه قاعده طبیعی برای هر گرسنه و طماع وجاه طلب حکم میدهد که در مقابل شخصی غافل تا وقتی که رادع و مانعی نیابد از ربودن هرگونه هستی مضائقه نکند ـ ایراد و اعتراض قطعی برکسانی است که شان و اثرات طبیعی آنان مستلزم این حرکات نبوده وخود را در عداد نفوس زکیه شمارد ولی یك ایراد و اعتراضی که باین آقایان اعیان متوجه است و میتوان گفت داخل در اشتباه بزرکی شده اند این است که اصلاح حال وخیر خود را امروزه کم کرده با شواهد موجوده در ثبوت تغییرات زندکانی هنوز دست از عادات قدیـم خود برنداشته بطلب وزارت یاحکومت یا وکالت تك ودو نموده یا بطرز معاملات قدیم مایه خود را تحویلات داده در صورتی که ممکن دارند با اعتبارات و اقتدارات خود امروزه مؤسس کارخانه جات و تشکیلات احتیاجیه ملت گردیده و از فوائد آن مملکت را آباد وملت را از فقر رهانیده و خودشان عوائد کافی حاصل نمایند و اگر طالب ریاست باشند آن تشکیلات محققا پیش ازامروز برای آنها ریاست حقیقی مهیا خواهد نمود

نظری به حالات و رفتار جناب حاج معین التجار بوشهری در مرکز جناب حاج محمد حسین کازرونـی در اصفهان و جنابان حاج علامعلی و حاج محمد باقر بهبهانی واولادهما درشیراز و بوشهر که هرکدام در تولید ثروت مملکت اول عامل بـوده و جماعتی را از طفیل افکار خود درخط شغل قرار داده و خودشـان نیز بدون منت از احدی فوائد عظیمه برمیدارند و چه درجه تابع ومطمع دارند مخصوصا جناب حاج معین التجار که مؤسس و مخترع ثروتی گردیده روح وطن را ازوجود خود شاد نموده اند اکر اعیان ما نیز قدمی در این صراط گذارده و مانند آقایان فوق سرمایه های خودرا دربازار مملکت داخل نموده به تاسیسات لوازم اجتماعی قیام نمایند آن نتیجه مطلوبه مشروحه بـدون تعرض یا فنای ملیت بدست خواهند آورد ولی‌چون ما هیچ کمان نمی‌کنیم این کلمات در وجود آنان اثر بخشیده و عقیده داریم که این قوا جز با سرنیزه ازمخزن‌مملکت بیرون نخواهد آمد این است که دعوت ملت را به درخواست حقوق خود از دولت‌نموده وامیدواریم چون بیغرضانه است بمقصود نائل گردیم ـ

مخربین جدید

بیشتر موانعی کـه در راس اصلاحات قرار کـرفته و حقیقتا کاملا سد ترقی و تعالی ملت ودولت کـردیده

اجزاء ادارات دولت های وقت بود خاصه در ادارات معارف وعدلیه که بیشتر مرجع عمومی بودند ــ اگر چه تشکیل کابینه جدید ما را امیدوار باصلاحات آن خـواهد نمود لیکـن چون غرض ما از شرح فوق بیان نکته اولیه است مجبـور هستیم که بدوا خرابی هارا خاطر نشان نموده سپس مسبب آنها را معرفی نمائیم

این اجزاء ادارات انچه شنیده می شود تمامی بواسطه و وسیله زمام کار را بدست گـرفته و هیچ کـدام از روی لیـاقت و قابلیت و بـروز امتحانات واجبه مقتضیه مصدر امـر نکـردید، و شیوع و پیشرفت ایـن وسیله بر همه واضح است که از اثر زمامداران نالایق ضعیف‌النفس محافظه کار سابق بظهـور پیوسته که آنان سهوا یا عمدا میخـواسته اند چنـین ادارائی که روح ملی است دست خوش هوا وهوس خود قرارداده چون اساسا این قصور از رؤساء و اجـزانیست و بحکم انکه آنان جمعی منتظر الخدمه بوده وبمقتضیات مملکت مجبور بودند دم و دید هر ذی نفوذی را دیده و مقامی برای آسایش زندکانی خود که در خطر بوده تحصیل نمایند نمی‌شود مقصر خواند و زمامداران نیز که هیچ وقت خودرا مسؤول حسن عمل ندانسته و وضعیات مملکت باتها اجازه لاقیدی یا بی پروائـی می داده نمی توان مسبب خرابی دانست بلکه بطور مستقیم مسؤلیت این خرابی باشخاصیکه خود را بحافظ قانون‌معرفی کرده که عبارت از وکـلاء و متنورین مملـکت است زیرا که مجری قانون مادامی خود را مقید بحفظ قانون خواهد دانست که‌در تحت نظر یك قوه بازخواستی محکوم ببینـد و هـر خطـائی کـند اکـر سزا نبیند بر عهـده حافظ قانون است

این مخربین جدید کاهی بلباس وکالت زمانی بلباس جریده نـکاری و هنکامی مبلغ ردمی ناطق ووقتی بلباس وزارت هم داخل خواهند شد

اجزاء ادارات دولتی باستثناء اداره حرب که تقریبا تمامی بلا واسطه مصدر کار شده اند بزرکـترین نافذ و مسبب پیشرفت مقاصد خود را در تحصیل شغل دولتی همین آقایان محترم می‌دیدندو بوعده مبادله خدمتی درآن اداره یا بدادن رشوه خواهی نخواهی آن هوچی کار از برای او تهیه می نمود و چون این اجزاء از حکومت گـرفته تا مدیر و منشی در صورتیکه مقام خود را موقتی دانسته ابدا در هیچ کـونه جلب منافـع شخصی فرو کذاری نکرده

این آقایان چون قلبی از آنان تازه بوی نعمات گـوناکون بمشامشان رسیده و آشفته کـی بازار باتها دست داده بود وهمانطور که گفتیم شجاعتی در خود نمـی دیدند که صندوقهـای ذخیره ملت را از محتکـرین بربایند یا کـمال داخ و اضطراب شغل خود را در عزل و نصب مامـورین ولایات و ایالات و مرکز دانسته و برای پیش رفت این امر از هیچ کـونه وقاحت فرو کـذاری ننموده حکـومت بولایات فرستاده در مقابل خدمت خود تعیین وکالت خود را می طلبیدند یا اکران عمل در حق انها صادق نبامد با پول نقد مبادله مینمودند

بعضی عاملین توی خالی بسکوت و صوت یك جریده درحق خود یك پیشرفت موثری درتحصیل مقام‌خود دانسته و مبلغ قابلی برای حق‌السکوت جریده می دهد این است که می بینیم یك‌جریده نکار که چندین ماه مقالات اساسی خود را جلب نفرت عموم نسبت به یك متنفذ بکار برده وقتی که ان حضرت بمقامی‌رسیده‌برخلاف سلسلهٔ مقالات خود یکمرتبه زبان بسته حتی از انتخاب آن متنفذ بان ماموریت در جریده هم ذکری‌نمی نماید

ابی بود حالت و رفتار هوچی هائی که مقدرات مملکت را بدست گرفته و در هرتخریب برای اغفال ملت نیز خودشان فریاد از شکست انتظامات می نمودند این یك بازیچه عجیبی‌بود که دزدی در خانهٔ شما وارد شود بعد از آنکه تمام هستی شما را غارت کند فوری در بازار عام داخل شدهٔ شرح آن سرقت را با آب و تاب و دلسوزی بیان نموده اکر باز برسی نه بیند خود محتسب وقت شده جماعتی را بنام آن سرقت معرفی نماید و خود با کمال بی شرمی از دور نشسته نظاره نماید و متاسفانه ان‌اشخاص بیشتر در مراتب وکالت و جریده نکاری که مروج حقیقی مملکت است قرار کرفته بودند ما می توانیم جرائد ایران و شفق سرخ را ازاین دائره استثنا نمودهٔ و عقیدهٔ مطلبی باتان داشته باشیم چه بیشتر انان را در خط مراعات این سوء احوال دیده و چون‌ممکن است دربعضی جرائد دیکر نیز این عواطف موجود باشد که ما هنوز عالم باتها نشده‌ایم این است این استثنا را منحصرننموده ولی خلاصتا میکوئیم در تدقیقاتی که‌عمل‌آمده بیشترجرائد دارای مسلك مستقیم نبیته و در حالی که امروز قدح فلان امیر کرده اند هنوز یکروز نکذشته که باکمال وقاحت‌زبان بمدح همان امیر کشوده اند

اکرچه بنایه دولت جدید مارا امیدوار ساخته و آثار آن نیز تقدیبا مؤایدا کردیده که باین بدبختی های اساسی خاتمه خواهند داد لیکن چون وظیفه ملی ما تنقید از جعلیات است ما مصمم شده ایم برای جلوکیری از این بداخلاقی و برای رفع این خرابی در مقابل هر جریدهٔ نکاری که این رویه تعقیب نماید بدون انکه از خط ادب خارج شویم فقط عین آن عبارت دسیسه آمیز را بلسان ساده تفسیر و تعبیرنموده و مقاصد او را در جلو ملت ودولت آشکار نمائیم و البته چون این رویه بزرکترین اصول حقیقت خواهی است هم مسلکان بی ... باین اعتراضات بچشم بی غرضی ... و در تائید ما نیز معاونت خواهند نمود

قارئین محترم مطلع باشند که در مطبعه اشتباها صفحه ۲ بجای صفحه ۳ طبع شد، و صفحه ۳ بجای صفحه ۲

چرا ادارات معارف و مدارس شما تنزل کرد؟

چرا یکوقت مملکت شما پر از قشون اجنبی میگردید؟

چرا یکوقت علماء شما را از اماکن متبرکه تبعید میکردند؟

چرا حیات عمومی شما چون سایر ملل نیست؟

چرا در مملکت شما کار پیدا نمیشود؟

چرا مداول احکام شریعت محمدی در صورتیکه همگی بقید واطاعت ان اظهار عقیده مینمایند فیما بین شما جاري نیست؟

چرا مجبور هستید بیشتر دروغ بگوئید

چرا دعای شما بی اثراست

چرا کسانی که مرجع امید شما هستند و در سال براي پا داري در ماتم آنان از جان و مال کوتاهي نمي کنند بشما رحم نکرده و نظري نمي نمایند؟

چرا وکیل خیانت میکند

چرا روزنامه نگار گاهي دندان روي حقایق گذارده وگهی برخلاف حقایق مینویسد؟

چرا در عصري که مردمان دنیا هوا پیمائی میکنند و در یکساعت ۵۰ فرسنك راه را طي مینمایند شما هنوز قادر بزمین پیمائي نشده و براي هر فرسنك راه یکساعت بزحمت طي طریق مینمائید؛

چرا ثروت طبیعي ما هنوز مدفون بخاك است؟

چرا علماء دین دست ازامر معروف و نهي از منکر بر داشته اند

چرا اگر عالمي بوظیفه خود چون آیت‌الله خالصي زاده عمل نمود مورد حمله بعضي میگردد؟

چرا اینگونه چراها که هر روز از حلقوم کلیه مردم بیرون می‌آید بي اثر و ثمر مانده

و چرا قائدین علت قطعي بشمابیان ننموده اند

واگر گفته‌اند چرا بوسائل رفع و دفع امراض قدمی بر نداشته اند

تمام دلائل فوق ـ کلیه بدبختي‌هاي مشروحه ـ در یك کلمه بطور مسلّم جواب داشته و مابدون عبارت پردازی و کلمات مصنوعي و تشبث بدلائل پیچاپیچ بشما مي گوئیم که جمیع این معایب و تمام این مصائب ناشي از عدم روح حیات اجتماعی است شما اگر گوشتان باین کلمه آشنا شده و جزئي یا کلي معاني آنرا بشما شرح داده اند باید بدانید که چون هنوز در مملکت ما این اثر وجود پیدا نکرده و کیفیات آن در وجود شما سرایت ننموده نمي توانید حقیقت این کلمه جامع را در یابید و اگر چه از شرح ما نیز ان تاثیر حقیقي دست نخواهد داد لیکن چون بزبان ساده می گوئیم امیدواریم اجمالا تاثیراتي بنماید

روح حیات اجتماعي مانع از جریان تمام اعمال مضره قومی و موجد کلیه محسنات ملیه است

ساده تر بگوئیم گاهي بعضي جراید بسمع شما رسانیده اند قدرت ملت ـ قدرت جمعیت ـ حکومت ملت و شاید شما و خطبا نیز گمان کرده اند که حیات اجتماعی عبارت از این الفاظ است یا از خطباء دانسته بشما حالی نکرده اند که قدرت ملت وقتي عرض اندام خواهد کرد و صورت حقیقي را ظاهر خواهد نمود که حیات اجتماعی در آن موجود شده باشد ورنه مادامي که روح حیات اجتماعي در بین یك ملت موجود نشده ممکن نیست ان قدرت آشکار گردد وقتي شما هنوز آشنا بجراید نشده بودید از پیشوایان خود نیز می‌شنیدید که یدالله مع‌الجماعه والحق لمن غلب لیکن کسی بشما حالی نه نموده بود که جماعت و غالب دارای چه شرائط و صفاتی است ما اگر یك دسته گوسفند را در یك جا جمع نموده و گرگی در مقابل آنان قرار دهیم چه نتیجه و اثر خواهیم دید البته با آنکه در گوسفندان حکم کثرت و تعدد جاري است بمجرد رویت گرگ فقط وحدت و صفاتي که از آنها ظاهر می شود مسئله فرار است که در نتیجه آن گرگ از خوف و رعب آنان فایده برده و طعمه حاصل خواهد کرد در این صورت هر اجتماعی را نمی توان غالب تصور کرد و خدا یا هر اجتماع بی اصول نخواهد بود

انهمه اجتماعات که در محافل و معابر ما واقع شده و با نطق های آتشین وخطابه های رزین باصطلاح خودمان ودم چرا منتج به نتیجه نگردید.

اگر حیات اجتماعی در بین مابود بیك اشاره چون لوازم ان موجود بود فوری هر مقصدی در نظر داشتیم برآورده می شد و هر دشمنی مقابل ما بود دفع می گردید

هر عوامی ممکن نداشت کرباسه و کالت کشد هر وزیری فقط در نبود اشخاص!!

لایق روی کار آورد ـ هر وکیلی نمی توانست هر کس را وزیر کند ـ اصول تعلیمات مدارس ما از روی اصول احتیاجات طبیعی بود و بالاخره یك کار خانه آدم سازی داشتیم

دولت وقت قادر بود بیك اعتراض نامه تجاوزات اجنبی را دفع نماید ـ کار از برای عموم فراهم می گردید ـ قوت ان روح سرمایه هائی که اینها احتکار شده از صندوقهای لغو و بی اثر بیرون می اورد و در بازار مملکت داخل می کرد خط اهن احداث می شد ـ معادن بکار می افتاد ـ شمابهر جا مایل بودی حرکت می نمودی و وسایل امور معاشیه خود را در ان سر زمین فراهم می کردی ـ صادرات مملکت ترقی می کرد ـ پول در مملکت بی قرب می شد ـ تقلب و دزدی عاری می گردید ـ تولید عاطفه می گشت ـ عاطفه ها باعث می شد که بمدلول احکام شریعت مطهره که حافظ ناموس و شرافت باطنی تو است عمل نمائی ـ خانم ها از اثر این عواطف عفیفه می شدند اطفال با عاطفه بار میاوردند ـ دیگر دعا برای مجهول نمی نمودید و از عدم تاثیرش گله نمی کردی بلکه چون حال مملکت معلوم بود و در خواست شئی معلوم ممکن الحصول بود باجابت می رسید ـ از ماتم داری بواسطه تاثیرات روحی ملکه شفقت در تو تولید وروح ائمه اطهار در محضر تو حاضر می گشت و مانند امروزه که در عین ماتم بفکر تقلب و بر کردن جای خرج هستی مجلس شما بی روح و بی ثمر نبود ـ

وکیل از خوف روح زنده جمعیت امکان خیانت نداشت ـ جریده نگار چون خود را مسئول ارواح زنده می دید و امور معاشیه او نیز مرتب می گردید ازدرج هیچ حقیقتی فرو گذاری نمی کرد ـ ما اقلا زمین پیما می شدیم و اقلا تمام نقاط وطن خود را قدم گذارده و باسیر آفاقی معایب و مفاسد عنصر شخصی خود را تشخیص می دادید و الوقت هم شما دارای عقیده مستقل و سهیم در اصلاحات می گشتید ورفته رفته بریاست هیئت صالحه مملکت می افزود ـ مملکت بوجاهت ملی زینت می گشت ـ ثروت های طبیعی از خاك بیرون اورده در دست خودمان قرار می گرفت ـ وسائل اسایش علماء حقه را قادر می شدیم و انها نیز با کمال رفاهیت حقائق مکنونه در قلوب ما داخل می نمودند و بعضی خرافات موهوم که باعث خالیی از بدبختیها گشته از قلب ما زائل می نمودند ـ

علماء سوء را از حوزه علمیه خارج می نمودند ـ

دیگر چون و چرائی باقی نمی‌ماند ـ

بعباره اخری حیات اجتماعی عبارت از لباس دنیای جدید است که ان لباس حافظ مقام و حیثیات ناموس و جان و شرف عمومی است چون عصر حاضر لباس عتیق را از تن دور نموده ما نیز باید لباس قدیم را از تن بیرون اورده بس باید زندگانی جدید را تابعیت کرده لوازم حفظ دین اسلامی و قومیت خودمان را فراهم اوریم ـ

شما چطور در زمستان محتاج به لباس مخصوصی هستید و بهر قیمت باشد ان را تحصیل می نمائید اکنون طرز زندگانی دنیا بهمین شابه است ـ دوره حیات اجتماعی جدید وسائل متعدده لازم دارد و اگر ما ان وسائل را بدست نیاوریم و خود را در عداد سایر ملل و جزء ادمیان دنیا معرفی نکنیم چون حیوان مهدور الدم خواهیم بود

از اشخاصیکه در جواب سابقه مهم شرح ها داده و راه ها دلالت نموده استیضاح مینمائیم که آیا ما احتیاجی جز باین روح داریم و نقص ما غیر از عدم این اثر چیز دیگر می توان تصور کرد و آیا می تو اید اقرار کنید که مدتی وقت گران بهای خود و مداد روشن ضمیر شفق سرخ را بسی فائده مشغول نمودید

طرز تحصیل حیات اجتماعي

اشکال حل اینمسئله پیش از تشخیص مرض و مراتب فوق است و شاید درضمن نگارشات مفصلی که ارباب ذوق بسمع شما رسانیده اند حل این مسئله را بنظر خود نموده و طریق حل را بتعمیم و تاثیر حسن معارف و بیداری ملت قرار داده اند اگرچه ماهم اساسا باین عقیده همراه و غیراز این طریقی برای حصول آنهمه مقاصد مقدسه نمی بینیم لیکن با این حال ما نباید اکتفا باین کلمات نموده ملت را به گودال عمیق دیگر پرتاب نمائیم بلکه بزرگترین اشکال طرز تحصیل این مراتب است که باید سنجید ما چگونه در تعمیم معارف و حسن تاثیرش قدم برداریم و بچه نوع آن درجات را طی نموده و خود را بمقصود رسانیم

حل این مسئله بزرگترین کاینه زندگانی ما است که میرزین یا نخواسته

اند عمل نمایند یا وضعیات ناگوار ... ما بانها حکم نمی داده لیکن ما که ... خود را در مقابل دولت قادر ... بتصدیق عموم می‌بینیم و بیانیه از ... بتمام مقاصد امور انتظامیه می‌دهد ... کاینه این اصلاحات را بنظر ملت ... واز دولت خود تمنای مساعدت ... لیکن چون بالاخره اجرای این و انجام این مسئله مشکله بدست است و دولت نیز نمی‌تواند تابع ... فکر افراد کرده بلکه مجبور است ... لیاقت و استعداد ملت رفتار نماید ... است که ما نیز بر حسب مقتضیات مخاطب نموده و کلید انجام این ... بدست ملت داده اگر حقیقتا دارای ... است که بمراتب معروضه ما عمل و بسعادت ابد خواهد رسید

ما استحقاقا وقتی خود را پیشنهادات در مقابل دولت مجبور ... می دانیم که ملت آنروزیه حیات را بدست آورده و تمام حیثیات بمعرض ظهور رسیده باشد تا اگر وقت تعللی در پیشنهادات ما نما ... بیدار ملی از روی اساس علمی ... ان دولت را نشان داده و در ... فوریت حاضر گردد

این یك اعتراض مفصلی واجب ... جراید است که قطع نظر از مرا ... شخصا بحکم اینکه جرائد زبان ... دولت های وقت را مخاطب ساخ ... اصلاحاتی که شخصا در نظر دارا ... را تحریك کرده اند در خواست ... در صورتی این مقام و حیثیت ... جرایدی است که مافی از که ... احساسات اوبا خبر بوده و محتاج باز ... باشد اما مادامی که نوده ... بان احتیاجات ننموده و وجود ... مساعد برای در خواست ... اگران دولت وقت بواسطه ضمن ... گفتار جریده انکار تسلیم گفته و ... اورا انجام دهد بحکم همان ج ... آن موسسه بزودی منهدم یا اثر ... بخشید هم چنانکه بسیاری از ... دوره جریده شاهد این مقال ... روی این اصول و این نقطه ... بطریق راه نجات خود دلالت کرده ... از روی فهم حقیقی قدم بیدار ... باشد و میگوئیم برای اینکه ماده ...

(اشتباه عمدی یا تجاهل)

﴿ راجع بعربستان ﴾

درموقعی که توجه ما بسوی اصلاحات قرار
و برای تشخیص درد های باطنی مملکت
تامل نمودیم از جمله نظر ما بحال کسانی
را علاقه مند بوطن معرفی نموده اند افتاده
آنان را در معرض نظر در آوردیم می بینیم
آنها در اشتباهاتی داخل گردیده که وقتی
می کنیم از روی فلسفه سوابق احوال
دقت در مواردی که اسباب اشتباه آنان
درك می نمائیم که آن اشتباهات کاملا
بطور تجاهل است زیرا که اگر بظاهر
از اصول جریان اداری خود خارج
اجرائش موافق وظیفه خود رفتار نمی
کن است قبل از تحقیق و دست آوردن
تنقید یا تقبیح آن قلم بر داشته و اشتباها
نویسند و این نوع اشتباهات چون صورت
ارد تقریباً معقول وصورت اعتباری را دارا است
یك اداره از جریان طبیعی و عادی
ملی نکرده و حسن جریان آن اداره نیز
باعمال همان ترتیبات است و ماموران خارج
خود عمل نکرده روح اثرات نتایج
یعنی ظاهرا تمام لوازم حیات اجتماعی
بواسطه وجود آن مامور موجود و منظم
ما باز به تنقید و توهین ان قلم برداریم
تجاهل نموده و مقصود مخصوصی در
یم حالا آن مقصود چه باشد و چرا از
حصول آن مقاصد خود را در
وی می اندازیم یك مسئله ایست که تنها
تصدیق خود مرتکبین گفته خواهد شد
ستلزم و مستوجب این گونه اشتباهات
محیط مقتضی اینکونه بروز تجاهلات
و محتمل است دلیل منطقی داشته باشند
دلیلشان اینکه ۱۷ سال است از این
شیوه عمر خود را صرف نموده لوازم
آسایش خود در حالی که آن لوازم
تهیه نموده اند این یك شمشیر
برای تو ازن قوای مرتکب با تهیه
استعدادات لازمه بعمل اید راستی عجب
خلط و مبحثی است و عجب طرار
ری کار امده که حاضر شده اند تمام ملکت
مقابل هوای نفسانی خود بیغرض فنا و
یق دهند و هیچ گونه توجه بسوی
به عاقبت دامنگیر خودشان خواهد بود

زمینه که ما داخل شده ایم نظیرش
قست ولی برجسته ترین ان مسئله عربستان
حکومت آن محل است هر کس در آن
چندی زندگانی کرده یا اگر دقیق بوده

بسافرتی می توانسته است وضعیات عمومی آن
نقطه را کاملاً بدست آورده و بداند گفتار ما از روی
چه اساسی است — ارباب سیاست می توانند
بفهمند آن سیاست ثابت داخلی و خارجی حکومت
ان محل چه روح آسایش در عموم تولید نموده
و چه اندازه مردم واقف بمقدرات خود هستند
وجان وشوف وناموس عمومی تا چه اندازه محفوظ
است

عربستان تقریبا دارای حیات اجتماعی
محدودی گردیده که جماعت ایرانیان
آن محل چون ایرانیان داخله برای تامین
مقدرات خودشان بلا تکلیف نبوده بلکه
در تکالیف زندگانی خود بطوری ثابت آگاه
هستند و این تشخیص و تامین حیاتی بزرك
ترین مراتب آزادی و آسایش است زیرا
که در وضعیات آن محل صورت قانونی
موجود گردیده — حرارت دست خوش
اراذل و اوباش و مقدرات بدست هوچی
ها نیست بلکه اصلا هوچی وجود ندارد هر
کس صبح سر از خواب بر داشته از شغل
ثابت خود خوشنود و بفکر نقاب و کلاه
برداری نیست و در صدد رخنه درامور
اجتماعی نخواهد بود — کار برای عموم
افراد موجود و هر صنف بشغل خود بلا
مانع رجوع کرده احتیاجات حیاتی خود
را با کمال شوق دفع می نماید و اسباب
انتظامات کشوری طوری مرتب است که
باعث حیرانی هیچ شاکی نیست — تمام دعاوی
و تمام اختلافات بحرانی مراجعه بمراکز کل
یانها تصفیه می گردد — لوازم پرورش
حس و ترقیات عمومی از جهت مدارس
و قرائت خانه بطوری تشکیل یافته که
باستثناء مدارس بوشهر میتوان گفت درهیچ
نقطه از ایران چنان مدارس با روحی تشکیل
نیافته و خوش بختانه مدیران مدارس قالبهای
بی روح چون مدیران سایر مدارس داخلی
نیستند در ناصری جناب ادیب مشهور و
محبوبی مدرسه بوشهر آقای محمد باقر بهبهانی
و در محمره جناب عارف ادیب آقا میرزا
حاجی آقا کازرونی از بزرگترین اشخاص
صالح فعال جنوب محسوبند — قرائت خانه
عمومی با یك شکل جان بخشی از وجود
جوانان باهوش تشکیل یافته و اقسام جرائد
و کتب نفیسه تاریخی را دارا است که
ما در شیراز و اصفهان نظیر آن را ندیده
ایم و حفظ روابط خارجی آن نقطه اگر
چه اساسا بایستی تابعش از مراکز باشد و
دولت وقتی میتواند در موقع خدشه اعتراض
از این بابت نماید که تمام لوازم روابط
خارجی موجود کرده باشد لیکن امتحاناتی
که حکومت مزبور در این طریق داده و

مخصوصا در جنك بین المللی که سر تا سر
داخله مملکت آشوب و مداخله اجانب بود
قابل و شایان تمجید است در موقع جنك
بین المللی اگر حکومت مزبور حفظ بی طرفی
را بعمل نیاورده بود با حملات اعراب
که در نزدیکی اهواز قرار گرفته بودند
واضح بود چه اشکالاتی رخ میداد لیکن
این غیرتمند ایران خواه و شرافت دوست
طوری ایستادگی نمود که موقعی از برای
دخالت انگلیسان نداده و با قوای محلی
خود تنها که مشار الیه مقر است آن
قوا نیز قوای دولتی ایران است جلوگیری
از حملات اعراب و دخالت انگلیسیان
کرد

کمان نمی رود لازم باشد مراتب
خدمات صداقت امیز این حکومت مقتدر
ثابت خوش عمل یکان یکان شرح دهیم
ولی لازم میدانیم از معترضین یا مغرضین
سوال نمائیم در این مدت که آنها قلم
بر خلاف آن سرزمین آرام جولان داده
وهر کرا اسبت که شایسته نبوده بمرئیس
آن داده اند آیا یك خط از یك نفر بدست
دارند که شکایتی از سرقت یا اجحاف
یا بی ناموسی درحق او شده باشد یا یك
اعتراض نامه از کسی هست که حکومت
اموال او را بدون تقصیر قانونی غارت کرده باشد

در محمره و عبادان و ناصری و
اهواز و مسجد سلیمان تقریبا چهار صدهزار
نفر اصفهانی شیرازی کرمانشاهی خراسانی
بوشهری و یزدی سکنا دارند وغبض عیش
از هوای لطیف و میوه های لطیف خود
کرده با گرمای سخت عربستان قناعت
نموده اگر این جماعت مامون و محفوظ از
جان و مال و ناموس خود نبودند — اگر
روح آزادی در بین انها نبود هر اینه
ان سورت گرما را بر ان طراوت و لطافت
حضارت وطن خود چگونه ترجیح می دادند
بلی ما تصدیق داریم یك روح دران نقطه
مطلوب و یك اثر که در تمام نقاط ایران
حکم فرما است در ان سر زمین رسوخ
و نفوذی ندارد و ان روح هیاهو —
آثار هوچی — دست درازی اشوب طلب
است که گویا به سبب فقدان ان روح
موسسین این بنا بجوش و خروش آمده
و میل دارند ان نقطه را نیز مانند سایر
نقاط وطن محل تاخت و تاز الان شود
و هم چه گمان می نمایند که دولت نیز
از این کلمات فریب خورده و رخنه برای
پیشرفت مشتهیات انان خواهد نمود —
دولتهای وقت با همه اشتباهاتی که در
هر طرق نموده خوشبختانه همواره حسن
اثر و وضعیات ثابت ان محل را بدیده
اعتماد نگریسته و از اینکه حسن وضعیات
داشته اند در یك چنین سر زمین در
یك چنین نقطه مهم سرحدی که جلب
نظر خارجی است جز وجود چنین حکومتی
حافظ مال و جان و اعتبارات مردم و
دولت نخواهد بود مورد تحسین
هستند

بعضی ها هم چه بخود امید داده
و می دهند که از اعزام قشون دولت
بعربستان دائره هیاهوی انها ممکن است
باز شده و تدریجا انجا را نیز مانند

سایر بلاد در آشوب قرار داده و مقصود
خود را ضمنا حاصل می نمایند

لیکن سیاست خرعلی که در تمام
حکومتهای ضعیف توانست خود را ازدست
برد و چنگال اجانب محفوظ دارد امروزه
که بحمدالله آرزوی دیرین خود یعنی به
حکومت مقتدر متبوع خود مصادف شده
البته برای حفظ تمام دولت و بروز
صداقت خود ازهیچ گونه مساعدت کوتاهی
ننموده وتمکینات خود را در مقابل دولت
جدید مایه فخر و اعتبار دانسته و مقام
او بیش از سابق در نزد دولت و ملت
محفوظ خواهد بود

گذشته از این گویا با تشکیل کابینه
جدید حرص و طمع دیده حقیقت بین
مغرضین را کور کرده و نمی توانند از
مسلك رئیس کل ارکان حرب که زمامدار
کلیه امور امروزه مملکت است دمالی اقدامات
اعزام قشون پی برده و بدانند که اعزام ان
قشون بنا بر مساعدت و معاضدت دولت به
حکومت مزبور و از فرط اطاعت وارادت
حکومت مذکور بدولت اوست موجب خبر
های خصوصی که داریم حکومت مذبور
با یکروح تازه حاضر برای هر گونه
تشکیلات موافق اصول جدید که لازمه

آن محل بوده گردیده و سالهااین آرزو را
در دل داشته و چنین فرصت ذی قیمتی
را از دست نمیدهد —

تقریبا مسلك حکومت عربستان
موافق است با مسلك رئیس دولت
حاضره هم چنانکه حکومت عربستان
نیز هیچ وقت هوچی در دائره خود
راه نداده مشاهده می نمائید رئیس
دولت نیز با این ترتیب بی اصولی
همیشه مخالف بوده و واسطه ووسیله
در عزم خود از مخاطرات شمرده —

خیلی عجب است یك جریده نگار
محترم که بکلی عالم به اخلاق حکومت
عربستان نیست بی پروا نسبت
هوچی گری به شخص محترم مذکور
داده اورا طرفدار قوام السلطنه معرفی
کرده وگمان میکند باین وسیله میتواند
یك چنین زمامدار قابلی را منفور نظر
زمامدار کل مملکت نماید ما از جریده
نگار محترم مذکور متمنی هستیم که
اگر در اینباب سند قاطعی در دست
دارد باداره ما ظاهر فرموده که ا...
ما در اشتباهی داخل بوده خارج
کردیم •

هادی سالکین

در مهیج قاعدین

(سیاست تاریك انگلیس)

تاریخچه ما مشتمل بر ۲۰۰ صفحه
بعنوان فرق حاوی حالات مجاهدین
جنوب بفصول ذیل تحت الطبع است
کلیات — جزئیات — خصوصیات — مقصد
و مسلك ما — اتفاق شدنی و رفع
اشتباه — لوازم حیات قومیت — جسارت
مشروع — مقدمه — تاریخچه — کلیات
تاریخچه — جزئیات در تحت فصول
اول بوشهر و تمام حیثیات آن (۲)
مدارج ما (۳) علت تاسیس جریده
اصلاح — (٤) مجاهدات ما در دشتستان
(٥) وضعیات مجاهدین (٦) شرح
اسرای انگلیس در اهرم (۸) عملیات
سردار عشایر جنوب (۷) رفتار با ممالك
خانواده قوام الملك شیرازی (۹) اثر

مجاهدین شیراز در برازجان (۱۰)
سیاست تاریك انگلیس ۱۱ معاینات ما
درحق آشیخ جعفر شیرازی ۱۲ تهورات
و مبارزات ناصر دیوان ۱۳ سبب
متارکه ما ازمیدان مجاهدین ۱٤ اقدامات
ما برای نجات ۱٥ عملیات ما در هند
۱٦ حادثات اخیر ما در هند ۱۷ مکاتبات
مایعد از حکم تبعید ۱۸ محافظه کاری ما
برای حیات ۱۹ ایام محبس اوضاع داخلی
ما ۲۰ مناظرات ما در ورود وطن —
بوشهر — عربستان — اصفهان — اعلان

این مجله با حروف سربی مزین
و کاغذ مطبوع وجلد عالی طبع خواهد شد قیمت
هر جلدی ۱٥ قران طالبین رجوع باداره
اصلاح در طهران شود

برای مجله ذوق

به آقایان ذیل که ذکر مجاهداتشان
در آن مجله بیان شده اطلاع داده
می شود هر کدام مایل هستند عکس
خودرا باداره تا یکماه دیکر برسانند
تادرمجله موصوفه مزین گردد

جناب غضنفر السلطنه — جناب
سردار اشجع و برادران و مرحمت
پناه والد شان — محمد علی خان و
مرحومان والد واخشان — جناب میرزا
محمد علی دیری — آقا عبد الحسین خراز
حاج درویش — آقا عبد الرسول

بوشهری — آقا غلامحسین بزاز — شاه
نصر الله — آقاعلی اکبر خرازی — آقا
میرزا حسنعلی اهرمی — آقا میرزا عبد
الکریم بهبهانی — آقا سید محمدحسین
صفا — جناب سردار فاخر — جناب آقا
میرزا علی کازرونی امان الملله نماینده
بوشهر جناب احمد خان اخگر — جناب
آقا میرزا عبدالکریم بهبهانی — جناب
آقا شیخ محمدحسین مجتهد براز جونی